

تکامل زبان چینی

Prof. Tan Yun - Shan

زبان تقریر و تحریر چینی

لفظ انگلیسی Language بر آن چه گفته و نوشته میشود شمول دارد. اما در چینی زبان تحریر و زبان تقریر بکلی بایکدیگر مغایر است. زبان چینی که بآن سخن میگویند یوین Yu-yen نامیده میشود که بمعنی لغات و گفتار است؛ زبان چینی که بآن تحریر می شود ون تسو Wen-tsu یعنی مراسله و خط نام دارد.

اینکه زبان تقریر بر زبان تحریر تقدم دارد امریست که از جمله بدیهیاتست و از قایح طبیعی احوال آدمیست. زبان چینی نیز از این قاعده مستثنی نیست و این همانست که یکی از دانشمندان نام آور چین بنام تائی تونگ Tai Tung از دوره سونگ Sung (مسیحی ۱۲۷۹ - ۹۶۰) گفته است:

« اصوات تقریر بر اشکال تحریر تقدم دارند. قبل از اختراع مظاهر کتاب برقراری ارتباط بکلمک ریسمان های گره داری معمول شد. بدنبال این ریسمان ها نوبت بچوب خط زدن بر اشیاء چوبی رسید و این کار باعث شد که بتوانند اشکالی را بر چوب نقر کنند که نبوت هم نماینده اشیا طبیعی باشد و هم از حرکات، حالات و مناسبات حکایت کند. با این طرز نوشتن چاقوهای نغازی و الواحی که باید کلمات بر آن حک شود پابعرضه وجود گذاشت و این دیگر خط به شمار میرفت و وظیفه آن این بود که گفتار امرئی سازد.»
نقل قول فوق بر مبنای قدیم ترین کتاب چین موسوم به یی چینگ Yi-ching یعنی کتاب مقدس چین است که میگوید: «در قدیم ترین ازمینه حکومت باستعانت ریسمان های گره دار بنحو احسن کار خود را از پیش میبرد. در اعصار بعد علم ما علامت کتابت و اسناد را جانشین آن ساختند، بدین وسیله ممکن شد که همه صاحب منصبان تحت نظم در آیند و همه مردم بانظم و ترتیب مورد امتحان قرار گیرند.»

منشاء خط چینی

خط چینی یکی از قدیم ترین خطوط جهان متمدن بشمار میرود. داستان های متعددی در باب منشاء و مبداء این خط ساینورایج است. چینی ها نیز مانند هندوهای قدیم اعتقاد داشتند که خط آن ها از جناب خدا نازل شده است. در این باب یی چینگ Yi-ching چنین گفته است: «آسمان جواهر اشیا را خلق کرد و حکما از آن ها تبعیت کردند. آسمان وزمین از این همه تغییرات و استحاله ها نشان دارد و حکما از آن ها تقلید کردند. آسمان از علامتی پرده بر گرفت که میتوان از آن ها بطالع سعد و نحس پی برد و حکما، پایه تعبیرات و تفسیرات مرموز و کنایه دار خود را بر آن گذاشتند.»

رود زرد نقشه را احداث کرد و رود لو **Lo** خطر ایدید آورد و حکما از آن هاسرمشق گرفتند. «
دانشمندان چینی معمولا گمان دارند که خط باکوا **Ba-Kwa** یاسه خطی های
هشت گانه (۱) از طرف امپراطور قدیمی فوهسی **Fu Hsi** اختراع و خط چینی
با آن آغاز شده است. سه خطی های هشت گانه مذکور بدینترارست:

☰	Chien	آسمان	☷	Khwan	زمین
☱	Cheng	تندر	☳	Sun	باد
☵	Kan	آب	☲	Li	آتش
☴	Gan	کوه	☴	Tui	دریاچه

همچنین در کتاب **Yi-Ching** آمده است: «در ازمنه قدیم، هنگامی
که پائوهسی **Pao Hsi** (مراد همان **Fu Hsi** مذکور در فوق است) آمد تا بر تمام کسانی
که زیر آسمان حکومت کند بیالانگریست و غرق تماشای اشکال زیبایی شد که بر آسمان
نمودار بود و درحالی که بزمینگریست همان نمونه هارا برنطیع زمین آشکار دید.
بار دیگر به نقوش تزئینات پرندگان و چارپایان و استعداد تغییر پذیری خاک خیره
شد. در نزدیک خود، در درون شخص خود چیزهایی برای بررسی و ملاحظه دید و بچنان
اشیائی بافاصله بیشتر یعنی اشیاء عامه و کلی بر خورد. در این باب سه خطی های هشت
گانه را اندیشید و ابداع کرد تا مناسبت بین اشیاء جوهری و عقلی را بنمایاند و هزاران
شئی را طبقه بندی کند.»

اما شخص فوهسی **Fu Hsi** امپراطور قدیمی بیش از آن که جنبه تاریخی داشته
باشد افسانه است. عصر او را به سبوت نمیتوان تعیین کرد. برخی از مدارک کار را بجائی
باریک میکشاند و عصر **Fu Hsi** را یک میلیون سال قبل از مسیح تعیین میکنند؛ بعضی
از اسناد دیگر دوره او را سیصد هزار سال قبل از مسیح تا کر میکنند. شاید بتوان گفت
که بدلائل عقلی و قابل قبول این امپراطور در حدود پنج یا چهار هزار سال قبل از مسیح
میزیسته است. اما این موضوع را که فوهسی **Fu Hsi** خط باکوا **Ba-Kwa** یاسه
خطی های هشت گانه را که آغاز و ابتدای خط چینی است اختراع کرده است نمیتوان
قبول کرد و نه دلیلی بر رد آن در دست است.

روایتی دیگر اختراع خط چینی را به **Tsang Chi** مورخ دربار هوانگ
تی **Huang-Ti** یا امپراطور زرد که نخستین فرمانروای تاریخی چین است و برای اولین
بار سراسر مملکت چین را بصورت واحدی در آورد نسبت میدهد (قبل از مسیح ۲۵۹۸-۲۶۹۷)
اما در حقیقت باید گفت که حروف چینی نه توسط او اختراع شد و نه در زمان او بلکه
او حروف چینی را بار دیگر نظم داد، طبقه بندی کرد و بصورت یکسان و واحد در آورد.
حقیقت آنست که خط چینی اختراع شخص معینی نیست و نمیتواند در یک دوران جامه
کمال پوشیده باشد. این خط محصول کار دسته جمعی مردم متعددی است در زمانی دراز. بهمان
نحو که یکی از برجسته ترین علمای قدیم بنام **Hsun Tzu** از معاصران
من تسو **Men Tsu** حکیم گفته است: «خطوط متعددی اختراع شده ولی فقط خط
یکسان تسانگ چی **Tsang Chi** بها بعیرا ث رسیده است.»

از ملاحظات فوق میتوان چنین نتیجه معقولی گرفت که خط چینی توسط فو هسی
Fu Hsi آغاز و بوسیله تسانگ چی **Tsang Chi** تکمیل شده است
تغییرات خط چینه

خط واحدی که توسط تسانگ چی پدید آمد در حدود دو هزار سال رواج داشت
 یعنی از زمان هوانگ تی **Huang-Ti** (قبل از مسیح ۲۵۹۸-۲۶۹۷) تا واسط سلسله
Chow (قبل از میلاد ۲۴۶-۱۱۲۲). این خط بعد ها کسبون - **Ku**
Wen یعنی «خط قدیمی» نامیده شد. مقدار بزرگی از این خط قدیمی حتی حالا هم
 وجود دارد اما عموم مردم آن را بکار نمی برند. مقداری از این خط قدیمی در کسب
 مشهور شو-ون - چپائی - تسو **Shuo-Wen-Chiai-Tzu** قدیمی ترین فرهنگ
 زبان چینی حفظ شده است این فرهنگ توسط اولین متخصص قرائت خطوط باستانی
 چین بنام هوشن **Hsu Shen** از سلسله هان **Han** (میلادی ۲۱۹- قبل از مسیح
 ۲۰۶) تلفیق و تألیف شده است مقدار دیگری از این خط در کتیبه های فلزی و سنگی
 بدست ما رسیده است.

اما قسمت اعظم این خط از کتیبه هایی که بر پوست سنگ پشت و استخوان نقر
 شده و در سال ۱۸۹۹ میلادی در ایالت هونان **Honan** از زیر خاک بیرون آمد کشف
 شده است کتیبه های فلزی و سنگی را معمولاً چین-شیه-ون-تسو **Chin-Shih-Wen-Tzu**
 و کتیبه های سنگ یشی و استخوانی را چپا-کوسون-تسو **Chia-Ku-Wen-Tzu** می
 نامند این کتیبه ها نه تنها اطلاعات مفیدی از کتابت قدیم چینی در اختیار ما گذارده اند
 بلکه بر تاریخ قدیم چین نیز روشنی تازه ای افکنده اند.

پس از آن که بتقریب دو هزار سالی از توحید خطوط توسط تسانگ چی گذشت
 باز حروف مختلف دیگری بوسیله مردم مختلف اختراع شد و در نواحی مختلف یا -
 ایالات چین رواج یافت. تفاوت این خطوط نه تنها در شکل ظاهری آنها بود بلکه تلفظ و
 موارد استعمال آنها نیز بایکدیگر فرق داشت این امر باعث پدید آمدن مشکلاتی در
 زندگی ملی و امور جاری مردم گردید از قبیل روابط و مکاتبات رسمی بین حکومت
 مرکزی و نواحی مختلف و همچنین اخذ تماس بین حکومت ها و مردم ممالک مختلف چین. از این
 جهت بار دیگر بتوحید و تلفیق خطوط موجود پرداختند و این کار توسط یکی از مورخین
 بنام تائی-شیه چو **Tai-Shih Chow** در زمان امپراطور هسوان وانگ **Hsuan Wang**
 (قبل از مسیح ۲۸۱-۸۲۷) از سلسله چو **Chow** انجام پذیرفت. این خطوط واحد جدید
 بنام چو - ون **Chow-Wen** یا تاچوانگ **Ta-Chuang** یعنی «حروف مهر
 بزرگ» موسوم گردید.

تردیدی نیست که تائی-شیه چو **Tai-Shih Chow** در یکسان کردن خطوط
 چینی محقق بوده و کار نیکوئی کرده است، اما یکی از هائس روش او آن بود که خط را
 پیچیده تر و از نظر ابعاد بزرگتر کرد؛ بدین دلیل خط او باندازه تسانگ چی **Tsang chi**
 دوام نیاورد تنها پس از چند صد سال وزیر دیگری بنام لی سو **Li Szu** از سلسله

چین **Chin** (قبل از میلاد ۲۰۹-۲۵۵) تغییرات تازه‌ای در آن داد و حروف را صورتی بسیار ساده‌تر درآورد. این خط بنام هسیائو - چوان **Hsiao-Chuan** بمعنی «حروف مهر کوچک» نامیده شد در همان حال یکی از صاحب منصبان دیگر بنام چن مو **Chen Mo** اصلاحات دیگری در خط چینی بعمل آورد و خط جدید به لی شو **Li - Shu** یعنی «تحریر منشیانه» موسوم شد که بعد ها به چیائی - شو **Chiai - Shu** یا «تحریر نمونه» مبدل گشت اما این اصلاح بیشتر منحصر بود به تغییر شکل حروف و ساده کردن نحوه تحریر بر طبق ضروریات زندگی که بر اثر تغییر سریع مقتضیات حادث شده بود. در واقع نباید پنداشت که این یک اصلاح اساسی در خط تحریری چین بوده است. از آن روزگار عملاً در طول دو هزار سال اخیر دیگر تغییری در خط چینی روی نداد.

جنبش اصلاحی جدید

تنها در قرن حاضر چندین جنبش برای اصلاح زبان تحریری چینی مشهود است در این مقام فقط بذکر سه جنبش اصلی و اساسی می‌پردازیم:

نخست - کوو - بین - تسو - مو **Kuo-Yin-Tzu Mu** یا جنبش ملی تلفظ: زیرا زبان تحریری چین بدون الفباست هر کلمه دارای حرف و صدای منفرد و مستقلی است که آنها را با همی کردن نمیتوان تلفظ نمود بشا بر این اسلوبهای فوشیکی خاصی برای تلفظ حروف باید داشت. اسلوب قدیمی مبتنی بر استعمال دو نوع حروف مختلف بود یکی حروف اول و دیگری حروف آخر. حروف نوع اول را باید به سرعت و پشت سر هم خواند تا بتوان اصوات حروف دیگر را ایجاد کرد این اسلوب به فان چیه **Fan - Chieh** موسوم است که تعقید و ناراحتی‌های بیشتری دارد علاوه بر این تلفظ حرف در مقام‌ها و مواضع مختلف و درازمنه متفاوت بایکدیگر فرق دارد و با وجود این نحوه تحریر در سراسر چین بجز تبت و مغولستان و چند ناحیه کوچک دیگر یکی است. مردم نواحی مختلف هنگامیکه لفظ معینی را که باهمان خط معین نوشته میشود بر زبان می‌آورند نمی‌توانند زبان یکدیگر را بفهمند زیرا تلفظ‌های آنها متفاوت است این امر جنبش جدید و تلفظ ملی را ایجاد کرد که در سال دوم جمهوری چین یعنی ۱۹۱۳ عملی شد وزارت فرهنگ حکومت ملی تقریباً همه زبان شناسان و متخصصین فقه‌اللفه مملکت را به کنفرانسی دعوت کرد تا در باب پیدا کردن یک اسلوب جدید عمومی ملی برای تلفظ کلمات به مشاوره پردازند و چاره اندیشی کنند. پس از مباحثات زیاد این گروه موفق به پیدا کردن طریق تازه‌ای برای هجی شدند. بیست و چهار حرف از ساده‌ترین حروف را بعنوان حروف ثابت اول و پانزده حرف دیگر را (بعدها یک حرف دیگر باین عدد افزوده شد) بعنوان حروف ثابت آخر اختیار کردند و نام آنرا کوو بین تسو مو **Kuo - Yin - Tzu - Mu** یا حروف ملی فوشیکی گذاردند. این طرح مورد موافقت دولت قرار گرفت و در سراسر کشور رواج داده شد. از آن هنگام این اسلوب جدید در تمام مدارس آموخته شد و دانشمندان نیز همه

آنها فراگرفتند. حال دیگر تمام مردم تحصیل کرده و باسواد چین میتوانند این خط را با تلفظ یکسان بخوانند و آن بالحنی واحد صحبت کنند و چه اهل شمال باشند و چه ساکن جنوب زبان یکدیگر را بفهمند. این کار بدون شك توفیقی عظیم بوده است و بزبان تحریری چینی خدمت بزرگی انجام داده است:

جنبش دوم - چین - Tzu - Chien یا جنبش ساده تر کردن حروف است این جنبش توسط بعضی از دانشمندان آغاز شد و باید گفت که چیز تازه ای نبود زیرا حروف تلخیص شده از عصر تسانگ چی **Tsang Chi** رواج داشته است. هدف و مقصود این جنبش آن بود که اسلوب نوشتن حروف چینی را بسکلی از پیچ و بن عوض کنند. بطور کلی این جنبش در رسیدن به هدف خود توفیق کامل نیافت. با وجود همه اینها باز حروف خلاصه شده در قدیم مورد استعمال مردم بوده است و فعلاً نیز هست.

سومین جنبش عبارت بود از گوئیو رومانسیه **Gwoyeu Romantzyh** یا لاتینی کردن

جنبش ملی زبان - نخستین مردی که حروف لاتین را برای تلفظ لغات پیکار برد یکی از مبلغین ایتالیائی بنام ماتئوریچی **Matteo Ricci** بود که در قرن شانزدهم به چین آمد و کتابی به چینی نوشت بنام تائی - سی - تسو - مو **Si-Tzu-Mu** - **Tai** یا «الفبای غربی». این کتاب از دست رفت اما اسلوب او مورد استفاده و استعمال مبلغین بعدی قرار گرفت. دومین فرد اروپائی که در این رشته کار کرد مبلغ مشهور فرانسوی موسوم به نیکلا تریکو **Nicolas Trigault** بود که در قرن هفدهم به چین آمد و در سال ۱۶۶۵ کتابی به چینی نشر کرد با اسم سی - ژو - اره - مو - تسو **Si-Ju-Erh-Mu-Tzu** «کمکی بگوش و چشم دانشمندان غربی» او در این کتاب یک سیستم فونتیک چینی با حروف لاتینی اختراع کرده بود که این کتاب هنوز موجود است: بعد نوبت به دو نفر از چین شناسان مشهور انگلیسی **T-F-Wade** و **H-A Gilez** و آ - جیلز در قرن گذشته رسیدند. وید کتابی بزبان چینی تهیه کرد بنام یو - یو - تسو - اره - تسی **Yu-Yen-Tzu-Erh-Tsi** یا «نخستین گام در طریق زبان» جیلز یک فرهنگ چینی به انگلیسی نیز در سه جلد تالیف کرد که در نوع خود هنوز هم معتبرترین اثر بشمار می رود.

این هر دو اثر اسلوب کاملی از درست نوشتن همه حروف چینی به حروف لاتین بدست میدهند که مورد عنایت و استفاده خاص کلیه دانشمندان و علاقمندان خارجی زبان چینی قرار گرفت. تهیه و تدارک چنین اسلوب تلفظی برای کمک به خارجیانی که بتوانند خط چینی را مطالعه کنند امری است کاملاً صحیح و درست هر چند که این روش بخودی خود کامل و خالی از عیب نیست، اما جنبش جدید لاتینی کردن خط چینی نه تنها منجر با استعمال حروف لاتینی بعنوان علائم فونتیک گردید بلکه این حروف را قائم مقام و جایگزین حروف چینی هم ساخت و حتی بر سر آن شد که خط چینی قدیم را بسکلی از صحنه خارج سازد. اما تا کنون این کوشش با شکست مواجه بوده است و سرانجام نیز اینکار بجائی نخواهد رسید. زیرا این جنبش کوشیده است و میسکوشد که امری غیر ممکن را عملی سازد.

از مجله **The Indo Asian Culture**

ترجمه کی کاوس جهاننداری